

با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

بیست ششم دی شصت
استاد مسعود ریاضی

روح حامی

کسانی که به امر و مشیت پروردگار تحول پیدا می کنند و از این دنیا به عالم دیگر می روند، در طبقه‌ای از عالم ارواح قرار می گیرند. برای ادراک بیشتر اگر بخواهیم، می توانیم طبقات عالم ارواح را به این دنیا و زندگی مردم دنیا تشبیه کنیم. نوعی از طبقه‌بندی مردم این دنیا، از نظر اقتصادی و مادی است که در جامعه‌شناسی مارکس و اقتصاددانهای جدید دنیای غرب بیشتر، طبقه‌بندی جامعه روی همین اصل منظور شده است. یعنی وقتی از طبقات سرمایه‌داری سخن می گویند، طبقه‌ای را به نام بازرگان و طبقه دیگری را با عنوان کارخانه‌دار تقسیم می کنند و به این دو طبقه، سرمایه‌دار تجارتمی و صنعتی نیز می گویند و طبقات کارگر، روشنفکر و تحصیلکرده، تکنیسین و مهندس نیز، هر کدام قشری از اقشار جامعه هستند.

اما اگر از دیدگاه دیگری جامعه را بررسی کنیم، می بینیم که اجتماع به طرز دیگری قابل تقسیم است، مثلاً از نظر نژاد، رنگ پوست، زبان، دین و آیین، معلومات قدیمه، تحصیلات جدید و هنر و غیره. یعنی مثلاً در جامعه، موسیقی‌دانها اهل یک طبقه هستند و قشری از اجتماع را تشکیل می دهند. نقاشها در یک صنف و دسته قرار دارند و مجسمه سازان و مهندسین و طراحان و همین طور علمای دین و مجتهدین و وعاظ و ائمه جماعت، هر کدام در یک طبقه قرار می گیرند.

در عالم پس از مرگ هم، ارواح بنا به سنخیتی که با هم دارند، به اقشار مختلف طبقه‌بندی و با نورهای رنگی مشخص می شوند. مثلاً ارواحی در نور سبز و ارواحی دیگر در نور زرد قرار دارند که هر کدام، وضعیتشان با هم فرق می کند. از نظر علوم روحی و مانیتیزی می توان در این دنیا نیز مردم را طبقه بندی کرد. اطراف بدن هر یک از افراد هاله و نوری است که رنگ بخصوصی دارد و اگر چشم باطن کسی باز شده باشد، به راحتی می تواند طبقه افراد را از روی رنگ همین نورهای اطراف بدن، اخلاق و خواسته‌ها و باطن و روحيات هر شخصی را بیان کند.

اشخاصی که رنگ نورشان به هم نزدیک است، با یکدیگر سنخیت فکری دارند و با هم دوست می شوند و علت اینکه شما بی جهت کسی را دوست دارید، همین سنخیت انوارها و هاله اطراف بدن شماست. تا اینجا، سخن در طبقه‌بندی موجودات این دنیا بود. بعد از مردن یا تحول باز هم طبقه‌بندی بر طبق همین نورها و امواج جان و روان انسان است. ارواحی که رنگ نورشان با رنگ نور افراد زنده تطبیق می کند، نسبت به آن‌ها کشش دارند و مثل آهن و آهنربا یکدیگر را جذب می کنند. در این ارتباطات و کشش که بین ارواح و مردم این دنیا وجود دارد، بعضی از ارواح علاقمند می شوند که راهنمایی انسانی را برعهده گیرند و هیچ فردی بدون راهنمای غیبی نیست. برای هر فردی، نه یک روح بخصوص، بلکه ارواح متعددی به عنوان ارواح حامیه مشخص شده است.

مثلاً در امور زندگی و خانوادگی یک یا چند روح، حمایت شما را به عهده می گیرند و به مغزتان القانات و الهاماتی کرده و شما را راهنمایی می نمایند که افکار مغز شما غالباً از ناحیه همین ارواح است. شما مشغول تحصیل هستید، ارواحی که با شما سنخیت نوری و موجدی دارند و نیز به رشته تحصیلی شما علاقمند می باشند، تصمیم می گیرند به شما کمک کنند و زمانی که در یک مسئله تفکر می کنید، به مغزتان الهام می کنند. در هر امری ارواحی از شما پشتیبانی و حمایت کرده و با شما همکاری می کنند.

شاید قبلاً درباره همین مطلبی که در مورد آن سخن می گویم، مطلبی نخوانده باشم، اما به محض اینکه در پاسخ معطل می مانم، ارواح یا روحی که علاقمند است و جواب را می داند، به فکر من، پاسخ را القا می کند که به این ارواح، ارواح حامیه می گویند.

مطالبی که گفته شد، سخنی کلی درباره روح حامی بود. حال اگر کسی در کارهای روحی تمرین کرده باشد و بخواهد روح حامی خود را بشناسد، می تواند با او شروع به صحبت کند و تقاضا کند که تجلی نماید و با او حرف بزند و علم احضار روح همین است. ارواح هم خیلی علاقمند هستند که ما آن‌ها را بشناسیم و بتوانیم با ایشان تماس بگیریم.

زندگی آن دنیا بسیار راحت‌تر، آسانتر و خوشتر از این دنیاست، به حدی که افرادی که این مسئله را می‌دانند و از آن جا خبر دارند و با ارواح در تماس هستند، میل ندارند، در این دنیا بمانند و مرگ در نظرشان بسیار شیرین است. این غم و رنج و سنگینی که در این دنیا هست، در آنجا وجود ندارد و زندگی آن جا با سبکی و بی‌وزنی و آسایش توأم است.

دیروز جوانی به مکتب آمده بود که حال روحی خوبی داشت. گفت: برادرم چند سال پیش در تصادف اتومبیل درگذشته است. او را خواباندم. وقتی که با برادرش صحبت کرد گفت: برادرم می‌گوید، ما اینجا خیلی خوش و راحت هستیم. شما هم اگر میل دارید، زودتر نزد ما بیایید.

به راستی اگر آدمی یقین کند که انسان نابود نمی‌شود و اگر باور کند که بعد از این زندگی مادی، زندگی جدیدی را شروع خواهد کرد که به مراتب عالیتر، پر فروغتر و راحت‌تر از زندگی این دنیاست، اولاً در غم از دست دادن عزیزانش غصه نمی‌خورد، زیرا می‌داند آن‌ها تکامل و تحول یافته‌اند و به کلاس بالاتر، ارتقا پیدا کرده‌اند. لذا خوشحال است که ایشان از غم و رنج این دنیا آزاد شده و به کمال رسیده‌اند. ثانیاً اگر دچار کسالتی شود، مرگ را با آغوش باز می‌پذیرد.

دانش‌آموزی که می‌داند اگر در کلاس دوم قبول شود، به کلاس بالاتر خواهد رفت، خوشحال و امیدوار است. آدمی که به خدا و روح معتقد است، برای مردن نذر می‌کند. ثالثاً می‌داند، این دنیا زودگذر و لذاتش ناپایدار است. اعمال، افکار و خیالات او در این دنیا، در زندگی پس از مرگ تأثیر دارد. پس سعی می‌کند، دیگران را نرنجاند و اخلاق خوب و زندگی متعادلی را در پیش می‌گیرد و به قول قدما، توشه آخرت را خوب فراهم می‌کند.

انبیا و اولیا ادیان، روشن‌بین بوده و دیده‌اند، لذا ما را به دیدن عالم پس از مرگ و غیب و معتقد شدن به آن دعوت کرده‌اند. علم ارتباط با ارواح و علوم روحی که به مردم این زمان رسیده، میراث انبیا الهی است و از راه دعا و توسل و عبادت و توجه و عشق به خدا، آدمی صاحب این علوم می‌شود. یعنی وقتی که انسان متدین شد و به مادیات توجهی نداشت، خود به خود سبک می‌شود، پرواز می‌کند و چون اینجا کار و وظیفه‌ای ندارد، به طرف آن عالم پر می‌کشد.

اولین بار که استادم خواست مرا با ارواح آشنا نماید، گفت: شبها، وقت خواب به ارواح فکر کن. برای پیغمبران و ائمه و پدر و مادر و بستگان حمد و سوره بخوان و ایشان را بیاد آور. در سایر اوقات نیز بیشتر به آن‌ها فکر کن، تا کم‌کم روانت از جا کنده شود و ارواح نیز به تو توجه کنند. وقتی آن‌ها را یاد کردی، در خوابهای خود می‌توانی آن‌ها را ببینی و بعد کم‌کم در بیداری هم آن‌ها را می‌بینی و من تمرین را به این ترتیب شروع کردم و طوری شد که در بیداری، اگر چشمم را بر هم می‌گذاشتم، آن‌ها را می‌دیدم. شما نیز می‌توانید شبها در خانه این کار را بکنید، که بهترین تمرین است و نیز نوعی عبادت محسوب می‌شود که در پیشگاه پروردگار بدون اجر نیست. ارواح نیز از اینکه آن‌ها را یاد کنند، خوشحال می‌شوند، کم‌کم شما را صدا می‌کنند و با شما حرف می‌زنند.

ابتدا آن‌ها را به صورت شبی از نور، مثل انعکاس نور روی دیوار می‌بینید که باز و بسته و کوچک و بزرگ می‌شوند. بعد از اینکه تمرین کردید و برایتان به صورت عادت درآمد، به طور وضوح مثل زمانی که خواب می‌بینید، برایتان ظهور می‌کنند. برای آنکه توجه آن‌ها را جلب کنید، می‌توانید دعا بخوانید و یا با آن‌ها صحبت کنید.